

در باره تعریف صحت و مرض و وظایف پزشک می توان گفت که مردم به علت اختلاف ساختمان بدنی و روانی خویش دارای مختلف هستند و اخلاق و اعمال و تمایلات و آیدینه های آنها است. صحت و ندرستی هر کس تابع صحیح کار کردن هر یک بدن و روان اوست که آن را فطرت اولیه گویند. مادام که خود استعداد را تغییر نداده، بدن تعادل خویش را دارا خواهد بود و خواهد شد. این انحراف ممکن است از خوراک و عوامل حاصله، در اخلاط، مزاج، قوا، اعضا، ارواح و افعال و خلاصه هر بدن اتفاق افتد. عوامل مزبور ممکن است در حد نفس یا روان محیطی آن اعم از حماد و نبات و حیوان و آسمان و زمین و غیره نشان دادن راه هایی است که به وسیله آنها شخص بتواند ت خویش را به معنای زمان، مکان، سن، نوع فعالیت، شغل و زندگی نگه دارد و در صورتی که به عللی از وضع طبیعی خود منحرف ممکن به حال اول بازگرداند یا حتی المقدور از اثرات سوء - مسلما بیماری ها یا نقایص خلقی از این قاعده مستثنی خواهد است و خود فطرت از ابتدا غیر طبیعی بوده و پزشک نمی تواند، ولی، ترمیم ظاهری آنها تا حدودی امکان پذیر خواهد بود.

بی سابقه به منابع اطلاعات، اجناس و سرویس ها (خدمات) تغییر یافته است. ضرورت طب مکمل و جایگزین یک نمایه و تظاهر از این تغییرات در سیستم حفظ سلامت می باشد.

تعاریف:

در همه نسل ها روشهای درمانی وجود دارند که توسط جریان اصلی قابل قبول نمی باشند. به آنها با ظن و تردید نگاه شده و به عنوان امری غیرمقبول و غیرمعقول عزل می شوند. برای مدتی، روشهایی که درخواست ها و مراجعین به دنبال آن وجود داشت ولی به طور دقیق آزمایش نشده بودند، غیررسمی و خلاف عرف فرض می شد. در طول دهه گذشته یا بیشتر، طب جایگزین یا مکمل نامیده شده اند (CAM) تا استفاده شان را به ترتیب به عنوان ضمیمه یا به عنوان جانشین و یا درمانهایی که بیشتر توسط عموم مورد قبولند منعکس کنند. تا هم اکنون به درمانهایی که بطور گسترده در مدارس پزشکی تدریس نمی شود یا استفاده نمی شود می توان طب سنتی و مکمل اطلاق کرد. با این حال، دانشجویان پزشکی بطور فزاینده به دنبال دریافت دستوراتی از طب سنتی و مکمل می گردند. در ۵ سال گذشته، کلمه دیگری اختراع شد، طب یکپارچه یا تلفیقی! تا با تشویق پیشنهاد کند که بعضی روشهای طب سنتی و مکمل و پزشکی که آنها را ارائه می دهند، ارزش اضافه شدن به مجموعه سیستم حفظ سلامت را دارند.

وسعت:

هزاران درمان و محصول هایی که طب سنتی و مکمل را دربر می گیرند، می توانند به ۵ حوزه که تا حدودی هم پوشانی دارند تقسیم بندی شوند. رژیم های مخصوص و دوزهای زیاد از ویتامین ها و مواد معدنی و عصار محصولات حیوانی و گیاهی همه با هم در گروه روشهای بر پای بیولوژیکی طب سنتی و مکمل جمع شده اند. ماساژ، دستکاری (مانیپولاسیون)، استئوپاتی و کایروپراکتیک و... در گروه روشهای بر پای بدن و دستکاری های بدن جمع شده اند. فرم های مختلف تمرکز، پس خوراند زیستی و هیپنوتیزم به عنوان رویکردهای مربوط به جسم - روان فرض می شوند. هر

کدام از این سه حوزه طب سنتی و مکمل مشابه های قبول شده ای در طب مرسوم دارند از جمله: رژیم های کم چرب و کم کلسترول، درمان فیزیکی، روان درمانی (سایکوتراپی).

چهارمین حوزه به عنوان طب انرژی (انرژی درمانی) شناخته شده است که جهت انعکاس انتفاع از زمینه های واقعی یا مفروش انرژی می باشد. امروزه، مغناطیس ها محصول فزاینده سلامت عموم هستند. با این حال در طول ۲۰۰۰ سال گذشته، زمانی که پزشکان یونانی اعتقاد داشتند که سلامت نیازمند تعادل خلطهای حیاتی است، پزشکان آسیایی جریان و تعادل انرژی های حیاتی را مدعی بودند و وسایلی برای اعاده آنها طراحی می کردند. طب سوزنی به اندازه های صحیحی که درون مدارها یا کانالهای مخصوص در جریانند اشاره دارد. ریکی (Reiki) یک روش ژاپنی و تماس بهبود بخش و یک نمونه مدرن می باشد که مقصود آن تشخیص و تصحیح انرژی شخص با گذراندن دستان یک درمانگر ماهر بر روی بدن بیمار است. پنجمین حوزه، با تمام سیستم های جایگزین در طب، شامل مواد چهار حوزه دیگر است و هدفش مهیا کردن رویکردهای اولیه برای تمام نیازهای سلامتی می باشد. نمونه های غربی شامل درمانهای پیشرفته توسط آمریکایی های اصیل مثل هومئوپاتی و طب طبیعی می باشند. نمونه های شرقی از جمله طب آیورودا از هند، طب سنتی چینی و طب تبتی استفاده زیادی از تمرین های تمرکزی و محصولات گیاهی می کنند.

روش های استفاده:

طب غربی معاصر، علی رغم موفقیت چشمگیرش، خصایصی دارد که می تواند بیماران را دلسرد کند. بسیاری بیماریها بخصوص موارد مزمن، درمان نشده و یا حتی ناکافی درمان شده اند. درمانهای موجود می توانند عوارض جانبی جدی تحمیل کنند و مراقبت ها موقت و فاقد کیفیت اند. طب سنتی و مکمل علی رغم فقدان اثباتش، مدافعان زیادی دارد زیرا پزشکانش خوش بین هستند. آنها زمان زیادی را برای صحبت کردن و تماس با بیماران قرار می دهند. طب سنتی و مکمل به

بیماران این قدرت را می دهد تا خودشان سلامت را انتخاب کنند. این باور وجود دارد که محصولات طبیعی آنها ذاتا بی ضررتر و مطمئن تر از انواع مصنوعیشان می باشد و مراقبت در یک حالت کل نگر مهیا می شود، با این معنی که زمینه های احساسی، اجتماعی و طبی بیماری در طراحی طرح درمان در نظر گرفته می شود.

اولین مطالعه بزرگ آیزنبرگ در ۱۹۹۳ جامعه پزشکی را با نشان دادن آنکه بیش از ۳۰٪ آمریکایی ها از روش های طب سنتی و مکمل استفاده می کنند، متعجب ساخت. مطالعات بی شمار بعد از آن زمان این نتایج را گسترش داده اند. مطالعه مراکز کنترل و پیشگیری بیماری (CDC) نشان داد که در ۱۹۹۹، ۲۹٪ از یک یا تعداد بیشتری از روشهایی که در بین آنها رویکردهای روحی (روانی)، گیاهان دارویی، کایروپراکتیک و ماساژ بیشتر شایع بودند، استفاده می کردند. بیشتر از ۱٪ تحت درمان طب سوزنی در آن سال قرار گرفتند. مطالعات در میان بیماران سرطانی نشان داد که ۸۶٪-۳۰٪ از طب سنتی و مکمل استفاده می کنند. مشابه آن، بین بیماران ایدزی، ۹۱٪-۳۶٪ گزارش شده اند که طب سنتی و مکمل استفاده می کنند. در بیماریهای مزمن ویران کننده ای مثل اینها، وقتی طب مرسوم کاری نمی تواند بکند، از طب سنتی و مکمل برای احیاء کردن امید درمان، کمک خواسته می شود تا طول عمر را افزایش داده و عوارض جانبی درمان را اصلاح کرده و راحتی فیزیکی و روحی ایجاد کند. با اینکه عده ای تعریف آنچه به عنوان درمانهای طب سنتی و مکمل نامیده می شود را تخیلی (غیرواقعی) قلمداد می کنند، مطالعات نشان داده اند که آمریکایی ها در تلاش اند تا جهت استفاده از این سرویس ها از جیب خود خرج کنند، با تخمین ۷ بلیون دلار هر ساله برای ویتامین ها و مواد معدنی، ۴ بلیون دلار برای محصولات گیاهی و دیگر محصولات طبیعی و تقریبا ۴ بلیون دلار یا بیشتر روی مکمل های ورزشی. آیزنبرگ گزارش داد که هزینه کلی طب سنتی و مکمل در ۱۹۹۷ به ۳۰ بلیون دلار رسیده است و همراه با افزایش مقدار وزیت های پزشکان CAM نسبت به پزشکان عمومی بوده است.

ادامه دارد ...

ورود طب مکمل و جایگزین به اصلی ترین مرجع علمی دانش پزشکی روز

قسمت اول